



فردگرایی و جمع‌گرایی در ایران

پژوهش حاضر سعی دارد با استفاده از تحلیل ثانویه پیمایش‌های ملی، فراز و فرود گرایش‌های فردگرایانه و جمع‌گرایانه در ایران را در دو حوزه ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی و چگونگی مصرف کالاهای فرهنگی نشان دهد. بازه زمانی موردبررسی، از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۹۸ را دربرمی‌گیرد.

طی دهه‌های اخیر، فردگرایی در ایران رشد داشته است. فرهنگی که ریشه تاریخی دارد و نه تنها در متون ادبی (نظم و نثر) بلکه در سفرنامه‌های اروپاییان و بازدیدکنندگان از ایران، از دوره صفویه تا دوره پهلوی (جمال‌زاده، ۱۳۴۵؛ جواد‌یگانه، ۱۳۹۶؛ فراستخواه، ۱۳۹۴)، مورداشاره قرار گرفته است، مستقیماً در برابر و در تقابل با جمع‌گرایی قرار نمی‌گیرد و گاهی با آن درآمیخته است. گرچه متناقض به نظر می‌رسد، اما ویژگی متمایز فردگرایی این است که نشان‌دهنده فقدان مشروعیت و مقبولیت جمع‌گرایی است و در میان لایه‌های گسترده‌ای از جامعه پذیرفته شده و مطابق آن عمل می‌شود. بخش قابل‌ملاحظه‌ای از کنش‌های فردی و جمعی ایرانیان طبق ارزش‌ها و هنجارها و چارچوب‌های تفسیری از فردگرایی صورت می‌پذیرد و بنا به دلایل فرهنگی، جامعه‌شناختی و روانی، در سطحی وسیعی نوعی مطلوبیت و مشروعیت پیدا کرده است. این فرهنگ از دوره پهلوی دوم تاکنون همواره با نوسان‌هایی حضور داشته و نشانه و اثر آن را در قلمروها و حوزه‌های مختلف از جمله در ادبیات، موسیقی، سینما، رسانه‌ها، زندگی روزمره، سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی، صنایع و کارخانه‌ها، بازار و ... می‌توان دید. برخلاف فردگرایی، جمع‌گرایی منابع و کانون‌های محدودتری دارد: دین، بیش از هر چیز دیگری، بازتاب‌دهنده و بازنمایی‌کننده جمع‌گرایی است. حتی نخبگان سیاسی در سطوح مختلف به‌ویژه هنگامی که در موقعیت‌های رسمی برای پرفورمنس (به معنای گافمنی) قرار می‌گیرند، جمع‌گرایی را بیشتر موردتأکید قرار می‌دهند اما همیشه این‌طور نیست و برخی شبیه سلبریتی‌ها، زیر پوشش جمع‌گرایی، منافع فردی را جستجو می‌کنند.

با الهام از رویکرد دورکیمی، عنصر و ویژگی پراهمیت جمع‌گرایی در این است که حاوی رمزگان و هنجارهایی است که کنشگران و افراد جامعه را در نهایت برای در اولویت قراردادن منافع و مصالح جمعی و جامعه (در ابعاد و اشکال مختلف)، آماده و ترغیب می‌کند و آن‌ها را از جستجوی منافع شخصی و فردی، به‌ویژه اگر به بهای منافع و مصالح جمع تمام شود، بر حذر می‌دارد. در این رویکرد، نهاد دین یکی از مهم‌ترین منابع تولید و بازتولید ارزش‌ها و هنجارها و چارچوب‌های تفسیری جمع‌گرایانه است. فردگرایی اما به هر نوع ارزش، هنجار، رمزگان و چارچوب‌های تفسیری اطلاق می‌شود که کنشگران را به ترجیح منافع شخصی و فردی حتی به بهای تضییع و تخریب منافع عمومی وامی‌دارد و چنان‌که در سطور آغازین اشاره شد، این فرهنگ طی چند دهه گذشته شدت یافته است.

زمینه رشد فردگرایی خودمحور، منفعت‌طلبی در اشکال مختلف طی چند دهه گذشته به سبب شکل‌گیری احساس کمیابی و گسترش رمزگان عقیده به خیر محدود و مشکلات و مسائل اقتصادی مانند افزایش فقر و بیکاری، رکود و تورم زیاد، افزایش شکاف طبقاتی، افزایش فسادها و اختلاس‌ها و ... به مثابه نوعی تنازع بقا در جامعه‌ای که مطابق با عقل سلیم جامعه سرمایه‌داری عمل می‌کند، مجدداً زنده و شایع شده است. در احیای روحیه نفع‌گرایی و سودجویی فردی، دولت و رسانه رسمی نقش داشته‌اند، اما سرمنشأ این گرایش، فرهنگی است که ملازم نوسازی و شهرگرایی است که از دوره پهلوی دوم تا به امروز در ارتباط با نظام سرمایه‌داری شکل گرفت.

در نظرگرفتن فردگرایی به عنوان ویژگی فرهنگی، با الهام از نظریه‌های جامعه‌شناسان کلاسیک صورت گرفته است

که میراث آن در «جامعه‌شناسی فرهنگی» جفری الگزنדר (الگزنذر، ۲۰۰۶؛ ۱۱-۲۶ و نبوی، ۱۳۹۲: ۹-۴۳) تداوم یافته است. این جامعه‌شناسان مانند دورکیم، در دوره‌ای به سر می‌بردند که بیش از دوره‌های متأخر جوامع اروپایی و آمریکایی، به جامعه‌کنونی ایران شباهت داشته است. از این رو این نظریه‌ها قابلیت بهتری برای تبیین و تحلیل کارآمدتر مسائل جامعه ایران دارند. دورکیم وقتی به بنیان‌گذاری جامعه‌شناسی در آکادمی می‌پردازد، می‌کوشد تا از جامعه‌شناسی به عنوان یک علم اخلاقی در حل مسائل جامعه فرانسه بهره بگیرد. فرانسه، چنان‌که ریتزر نیز تصریح کرده است (ریتزر، ۱۳۹۵: ۱۲۸)، از انقلاب کبیر تا دوره دورکیم که مسئله‌ای نظیر دریفوس (همان، ۱۱۸-۱۱۹؛ کیویستو، ۱۳۷۸: ۱۴۳-۴۵) در آن به وجود می‌آید، در بحران اخلاقی به سر می‌برده است: «انقلاب فرانسه با تکیه بر حقوق فرد آغاز شد... این روند حتی بعد از سقوط حکومت انقلابی هم تداوم یافت. در اواسط قرن نوزدهم بسیاری از مردم احساس می‌کردند نظم اجتماعی در خطر است زیرا افراد فقط در فکر خود بودند و نه در فکر جامعه». ریتزر ادامه می‌دهد که «ظرف کمتر از ۱۰۰ سال از انقلاب فرانسه تا دوره بلوغ دورکیم، فرانسه سه سلطنت، دو امپراتوری و سه جمهوری دیده بود. این رژیم‌ها چهارده قانون اساسی تدوین کرده بودند. احساس بحران اخلاقی با پیروزی خردکننده پروس بر فرانسه که شامل الحاق زادگاه دورکیم به پروس نیز شد، به اوج خود رسید. به دنبال این شکست، انقلاب کوتاه و پرخشونت معروف به کمون پاریس درگرفت. هم تقصیر شکست و هم تقصیر شورش متعاقب، به گردن مسئله فردگرایی بی‌حد و حصر انداخته شد». (همان، ۱۲۸)

جامعه‌کنونی ایران نیز از مسئله نوعی «فردگرایی منفعت‌محور» یا به تعبیر کاتوزیان «شخص‌گرایی» (کاتوزیان، ۱۳۹۱: ۲۱-۲۴) رنج می‌برد. اکنون عقل سلیم و روح حاکم در جامعه این است که هر کسی منافع فردی و شخصی خود را جستجو کند و به دست بیاورد. فرهنگ حاکم در میان بخش‌های گوناگون مردم و بخشی از نظام اداری، جستجو و دستیابی به نفع فردی را حق خود می‌داند. این فرهنگ برای دستیافتن به نفع فردی از هیچ کوشش و ترفندی مضایقه نمی‌کند. دستیافتن به نفع فردی در چنین بستر فرهنگی و اجتماعی به عنوان نوعی موفقیت و کامروایی محسوب می‌شود، همانند جامعه آمریکا، چنان‌که مرتون توصیف می‌کند. (مرتون، ۱۳۷۸)

پس آنچه در زیر لایه‌های فرهنگ ریشه دوانیده و در ظاهر به رسمیت شناخته نمی‌شود اما عملاً حتی ایدئولوژی رسمی نیز در چنبر آن گرفتار شده، مجموعه کنش‌هایی است که از نگرش واحدی نشأت می‌گیرد و آن عبارت از این است که از همه‌کس و از همه‌چیز حتی از امور مقدس و محترم در جهت کسب انواع منافع شخصی و فردی می‌توان و می‌باید استفاده ابزاری به عمل آورد. این فرهنگ در زبان روزمره نام خاصی دارد: زرنگی؛ زرنگ کسی است که به بهترین وجهی می‌تواند با دور زدن موانع به منافع خود دست یابد (موانع در تحلیل نهایی، همان قوانین و مقرراتی است که برای تضمین تأمین منافع جمع وضع شده است، هرچند نقش و سهم گروه‌های ذینفع در تدوین و تصویب آن را نمی‌توان ندیده گرفت)؛ زرنگ کسی است که از انواع مهارت‌ها برای به دست آوردن منافع شخصی که هم‌زمان تضییع منافع دیگران را در پی دارد، برخوردار است. چنین فردی دارای ارزش است و نه تنها در حلقه دوستان و آشنایان، بلکه در اجتماع بزرگ‌تر نیز گرمای داشته می‌شود و به عنوان فردی موفق موردستایش قرار می‌گیرد.

با وجود این، تحت شرایط خاصی - که الگزنذر آن را، البته با لحاظ کردن تفاوت‌هایی، تروما می‌نامد- مردم ایران دارای از خودگذشتگی و فداکاری برای جمع نیز می‌شوند. این شرایط خاص خیلی به ندرت روی می‌دهد، وقتی شرایط بحرانی شد و شدت بحران و پوشش رسانه‌ای و بر ساخت رسانه‌ای از حد و حدود خاصی گذشت، فداکاری و از خودگذشتگی برای برخی افراد و گروه‌ها و لایه‌های اجتماعی امکان‌پذیر می‌شود. اما اینکه نقطه ذوب کجاست و افراد در چه شرایطی و تحت تأثیر چه عواملی از جستجوی منافع فردی دست می‌کشند و در عوض نه تنها از نظر مالی، بلکه از نظر جانی حاضر به از خودگذشتگی می‌شوند، خود جای پژوهش تجربی مستقلی دارد.

پژوهش حاضر سعی دارد با استفاده از تحلیل ثانویه پیمایش‌های ملی، فراز و فرود گرایش‌های فردگرایانه و جمع‌گرایانه در ایران را در دو حوزه ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی و چگونگی مصرف کالاهای فرهنگی نشان دهد.

بازۀ زمانی موردبررسی، از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۹۸ را دربرمی‌گیرد.